

بسم الله الرحمن الرحيم

حمل دعوت؛ دیوار محافظ مسلمانان

# مقالات



(ترجمه)

حمل دعوت از جمله بزرگ‌ترین و با عظمت‌ترین اعمال بوده و بر هر مسلمان فرض می‌باشد؛ دولت اسلامی توسط آن تأسیس و حفظ می‌شود و کاری است که فرد، حزب و دولت به انجام آن می‌پردازد. از این رو، بر مسلمانان لازم است که دعوت را در نقطه مرکزی قرار دهند تا مصالح شان به دور آن بچرخد، و آن را هدف دائمی و همیشگی خویش قرار دهند که در طول زندگی بر آن پایبندی نمایند. بنابراین، در تحمل سختی‌ها و خستگی‌های آن تنبلی و احساس خستگی نکنند.

ترمذی و طبرانی از عبدالله بن مسعود (رضی الله عنه) از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت نموده اند که فرمود:

«نصر الله عبدا سمع مقالتي، فحفظها ووعاها و أداها، فربُّ حامل فقه غير فقيه، و رُب حامل فقه إلى من

هو أفقه منه»

ترجمه: الله یاری کند هر بنده‌ای را که سخن مرا شنید و آن را حفظ کرد، درک کرد و رساند؛ زیرا چه بسا کسانی که فقه را حمل می‌کنند، اما فقیه نیستند و چه بسا کسانی که فقه را به افرادی منتقل می‌کنند که از خودشان فقیه‌تر هستند.

بنابراین، الله سبحانه و تعالی، چهره مسلمانی که وحی را از قرآن و سنت می‌شنود، سپس آن را حفظ و درک می‌کند و به مردم می‌رساند، شاداب و نورانی می‌سازد. بناءً تبلیغ و حمل اسلام نتیجه فراگرفتن و پی بردن است. پس وقتی مسلمان معلومات اسلامی را فرا گیرد، در خودش حبس نمی‌کند، بلکه باید آن را در میان مردم منتشر سازد، و این،

معنای حمل و رساندن دعوت به مردم است. و رسول الله این حدیث را که در مسجد خیف در منی ایراد نموده بود، تکمیل نموده می‌فرماید:

«ثلاث لا يغفل (من الخيانة) أو يغفل (من الحقد)- عليهن قلب امرئ مسلم: إخلاص العمل لله، و النصيحة

للمسلمين و لزوم جماعتهم، فإن دعوتهم تحيط من ورائهم»

ترجمه: سه چیز است که قلب مسلمان در آن خیانت نمی‌کند و با ناخالصی (از روی کینه) با ناخالصی آمیخته نمی‌شود: کار مخلصانه برای الله، خیرخواهی و نصیحت مسلمانان و همراه بودن با جماعت مسلمان؛ زیرا دعوت شان آنان را احاطه نموده است.

انس این حدیث را با این الفاظ روایت نموده:

«و مناصحة ولاة الأمر و لزوم جماعة المسلمين»

ترجمه: و توصیه امیران و تمسک به جماعت مسلمان.

جابر به این صورت روایت نموده:

«و مناصحة لأمّة المسلمين و لزوم جماعتهم»

ترجمه: و خیرخواهی و نصیحت امیران مسلمانان و همراه بودن با جماعت مسلمان.

و ابوسعید آن را به این صورت روایت کرده است:

«و المناصحة لأئمة المسلمين، و لزوم جماعتهم»

ترجمه: و نصیحت به پیشوایان مسلمانان و همراه بودن با جماعت شان.

حدیثی که مسلم، ابوداود و نسائی از ابی هریره دیگران روایت نموده اند، معنای نصیحت را تأیید می‌کند، چنانچه روایت می‌کنند که رسول الله فرمود: «إنما الدين النصيحة» ترجمه: دین نصیحت و خیرخواهی است. صحابه گفتند: ای رسول خدا الله، نصیحت برای چه؟ فرمود: «لله و لكتابه و لرسوله و لأئمة المسلمين و عامتهم» ترجمه: برای الله، کتابش، پیامبرش، پیشوایان مسلمانان و عامه آنان.

بناءً حدیث «ثلاث لا يغفل عليهن قلب امرئ مسلم؛ سه چیزی که قلب شخص مسلمان در آن دچار خیانت نمی‌شود» سه ویژگی تعیین می‌نماید که مسلمان در عرصه دعوت باید به آن متصف باشد، پس اگر این صفات را داشت، خیانت، کینه و تمام مشتقات آن را از قلبش نفی می‌کند، زیرا این صفات با خیانت، فریب و کینه جمع نمی‌شود.

در نتیجه:

گزینه اول، یعنی اخلاص عمل به الله سبحانه و تعالی شرط برای دو گزینه دیگر است.

دوم: به معنای محاسبه حکام است که با امر و نهی، توصیه و رسیدگی به آنان در صورت انحراف صورت می‌گیرد. از اینجا فهمیده می‌شود که حمل دعوت باید شامل حکام نیز باشد، یعنی باید شکل سیاسی به خود بگیرد.

سوم: پایبندی به جماعت مسلمانان؛ یعنی دولت اسلامی است. بنابراین، جماعت مسلمانان به معنای مسلمانانی است که با یک امام، با بیعت صحیح بیعت نموده باشند، یعنی جماعت مسلمانان از سه رکن تشکیل یافته: مسلمانان، بیعت و امام.

بنابراین، همراهی با جماعت مسلمان، یعنی همراهی با دولت اسلامی (خلافت)، و این همراهی در صورت موجودیت دولت اسلامی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین فریضه‌های اسلام است، اما اگر دولت اسلامی وجود نداشت، اقدام به ایجاد آن از بزرگترین وجایب است. بر اساس قاعده شرعی «ما لا یتیم الواجب إلا به فهو واجب؛ آنچه واجب بدون آن انجام نمی‌شود، واجب است.»

رسول الله صلی الله علیه وسلم در پایان حدیث خاطرنشان می‌سازد که دعوت، توصیه و بازخواست حکام و رعیت مسلمان و همراهی جماعت و دولت شان، مسلمانان را مانند یک حصار محافظ احاطه می‌کند تا از آنان حفاظت و نگهداری نماید.

از این حدیث فهمیده می‌شود که حمل دعوت، علاوه بر رعیت باید شامل حکام نیز باشد. بنابراین، اگر دعوت‌گران تنها به مردم عادی اکتفا نمایند، ویژگی احاطه را از دست می‌دهند. همچنین اگر دعوت از تذکر جماعت و دولت مسلمانان و التزام به آن در صورت موجودیت و اقدام به ایجاد آن در صورت عدم موجودیت خالی باشد، نیز درخور ویژگی احاطه نیست.

از این رو باید به تمام کسانی که در عرصه دعوت فعالیت دارند، یادآوری شود که اگر در کار خود به دولت و پایبندی به آن یا به امام و بیعت با او توجه نکنند، کارشان ناقص خواهد بود.

پس اگر برخی افراد بدون تعرض به حکام و بازخواست آنان، دست به دعوت بزنند، باید بدانند که کارشان مخالف شرایط شرعی است. همچنین اگر در دعوت خود التزام به جماعت مسلمانان و بیعتی که با یک امام به عهده دارند، یادآور نشوند، نیز عمل‌شان مخالف شروط اسلام است.

در عصری که ما زندگی می‌کنیم و در غیاب خلافت، دعوت باید به ازسرگیری دولت اسلامی متمرکز نماید، که این کار با تأسیس خلافت اسلامی برای تطبیق کامل شریعت اسلام بالای مردم و حمل دعوت اسلام به جهان انجام می‌شود.

**نویسنده: استاد احمد الخطوانی**

**مترجم: طه خالد**